

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۱

صص ۱۵۶-۱۲۸

تأثیر الزامات قانون آیین دادرسی کیفری در رعایت حقوق شخص تحت نظر (با تأکید بر حق تماس با خانواده، حق معاینه پزشکی و حق اطلاع از حقوق خود)^۱

هژبر برادران نصیری^۲، حسنعلی موذن‌زادگان^۳، عابدین صفری کاکرودی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: با وجود پیش‌بینی الزاماتی برای رعایت حقوق شخص تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت نبود سازوکارها، نقصان ضمانت اجراها، باورمند نبودن ضابطان، هیچ‌گاه این حقوق در حد مورد انتظار مراعات نخواهد شد، بنابراین باهدف بررسی تأثیر الزامات قانون آیین دادرسی کیفری در رعایت حقوق شخص تحت نظر به این پژوهش پرداخته‌ایم.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات کمی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۳۸۴ نفر از وکلا، ضابطان و قضات تهران هستند که با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند و ابزار تحقیق پرسش‌نامه است.

یافته‌ها: دسترسی‌های شخص تحت نظر به حق تماس با خانواده کمتر از حد متوسط و در سطح پایین، حق معاینه پزشکی بیش از حد متوسط و در سطح زیاد و حق اطلاع از حقوق خود بیش از حد متوسط و در سطح زیاد و ارزیابی شده است.

نتیجه‌گیری: دسترسی متهم به بعضی از حقوق خود در سطح زیاد بوده، ولی در حق تماس با خانواده، نیاز به اهتمام ویژه دارد. برای افزایش آن فراهم کردن زیرساخت‌ها، آموزش حقوق شهروندی، نظارت بر رفتار ضابطان از راهکارهای پیشنهادی در به حداقل رسانیدن موارد نقض حقوق اشخاص تحت نظر است.

کلید واژه‌ها: ضابطان، تحت نظر، حق تماس با خانواده، حق معاینه پزشکی و حق اطلاع از حقوق خود

۱ - این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در

رعایت حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان» در دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب است.

۲ - دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

msadra139100@gmail.com

۳ - دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی. نویسنده مسئول

moazenzadegan@gmail.com

۴ - استادیار، گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین. a.s.kakroodi@gmail.com

مقدمه

یکی از چالش‌هایی که هر نظام حکومتی با آن مواجه است، ایجاد تعادل بین حفظ نظم عمومی و حفظ حقوق شهروندی از جمله حقوق متهم است. از آنجائی که وظیفه ذاتی پلیس برقراری نظم عمومی، کشف جرم و برخورد با متهمان است، انجام این وظیفه همیشه با حفظ حقوق متهم با اصطکاک مواجه می‌شود.

اهمیت این موضوع به حدی است که اگر در این خصوص تحقیق جامعی به عمل آید و مشکلات و موانع اجرای حقوق اشخاص تحت نظر شناسایی شود، با رفع این مشکلات و موانع، زمینه مراعات هرچه بیشتر حقوق شهروندی، به خصوص حقوق شخص تحت نظر فراهم می‌شود و ضرورت آن به گونه‌ای است که اگر موانع اجرای حقوق شخص تحت نظر شناسایی و حل نشود، ممکن است، به دلیل بی‌توجهی به این حقوق، معضلاتی برای کشور به وجود آید؛ چنانچه در پرونده‌ای رعایت نکردن حق معاینه پزشکی و ندادن خدمات ضروری پزشکی موجب فوت شخص تحت نظر شود و کشور ایران را مواجه با هجمه‌های بین‌المللی و محکومیت در شورای حقوق بشر سازمان ملل کرد.^۱

از لحاظ سابقه بحث هر چند تحقیقات متعددی در خصوص دادرسی عادلانه و حقوق متهم تحت نظر انجام شده و در پیشینه تحقیق به آن پرداخته شده است، ولی بیشتر این تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و یا به تأثیر الزامات قانون آئین دادرسی کیفری در رعایت حقوق متهم تحت نظر نپرداخته‌اند و بیشتر در بیشتر فلسفه حقوق به مبنا و دلایل عقلایی لزوم برخورداری شخص تحت نظر از این حقوق پرداخته شده است.

از طرفی با گذشت شش سال از اجرای قانون و الزام ضابطان دادگستری بر رعایت حقوق شخص تحت نظر، آنچه که از مشاهدات میدانی، نوشته‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌ها و گفتگوها و مصاحبه‌های غیررسمی انجام شده با اساتید و ضابطان و متهمان و وکلا

به دست آمده حاکی این است که رعایت برخی از حقوق اشخاص تحت نظر توسط ضابطان به دلایل مختلف امکان تحقق کامل ندارد، برای مثال در دسترسی اشخاص تحت نظر به حق تماس با خانواده و آشنایان به دلیل کمبود امکانات پلیس و پیش‌بینی نشدن این موضوع در ساختار پلیس و توجه نبودن ضابطان و نیز نامشخص بودن اینکه متهم مکلف به استفاده از وسایل ارتباطی شخصی یا وسایل عمومی موجود در کلانتری است، حقوق شخص تحت نظر را با محدودیت‌هایی مواجه کرده است. به خصوص اینکه توجیحات ضابطان در خصوص ضرورت عدم تماس شخص تحت نظر با خانواده و آشنایان، می‌تواند در نظر مقام قضایی صحیح جلوه کرده و فرد را از حقوق خود محروم کند.

همچنین در دسترسی متهمان تحت نظر به معاینه پزشکی با ابهام در تعیین مسئول پرداخت هزینه‌های پزشکی و نیز اتلاف وقت ناشی از کسب اجازه از دادستان در تعیین پزشک، می‌تواند منجر به خطر افتادن حق معاینه پزشکی متهم شود.

بنابراین باهدف بررسی تأثیر الزامات قانون آیین دادرسی کیفری بر ضابطان در رعایت حقوق شخص تحت نظر به این پژوهش پرداخته‌ایم و در صدد آن هستیم که در یک رصد میدانی با تجزیه و تحلیل رفتار ضابطان با اشخاص تحت نظر در خصوص حق تماس با خانواده، حق معاینه پزشکی و حق اطلاع از حقوق خود مشخص کنیم ضابطین تا چه اندازه به قانون پایبند هستند؟ در واقع دغدغه اصلی محقق در این پژوهش این است آیا الزامات آیین دادرسی کیفری توانسته است در رعایت حقوق اشخاص تحت نظر مؤثر باشد؟

پیشینه و مبانی نظری

کوشکی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا» بیان داشته در حقوق آمریکا تأسیسی به نام تحت نظر وجود ندارد و می‌توان جلب و دستگیری پلیسی را معادل تحت نظر قلمداد کرد، هر دو نظام در راستای تقویت حقوق اشخاص تحت نظر تلاش‌هایی کرده‌اند

آشوری و سپهری (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، تشریفات قانونی فرایند تحت نظر در قانون فرانسه را بسیار گسترده تر دانسته و معتقد است قانونگذار ایران بر خلاف قانونگذار فرانسه این مدت را نه به عنوان یک مرحله دادرسی کیفری، بلکه تنها به عنوان دوره زمانی میان دستگیری و معرفی نزد مقام قضایی دانسته است. وی معتقد است قانونگذار فرانسه در اصلاحات قانونی ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ گرایش امنیت محور داشته و محرومیت‌های موقت متعددی برای متهم از برخی حقوق پیش بینی نموده است. ضمن اینکه تمدید مدت تحت نظر متناسب با شدت و تبعات جرم ارتكابی در قانون فرانسه امکانپذیر است.

مؤذن‌زادگان (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «حقوق اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی در دادرسی کیفری ۱۳۹۲» از جمله وظایفی که پلیس قضایی در انجام تحقیقات پلیسی به عهده دارند، رعایت و حمایت از حقوق اشخاص تحت نظر است. این اشخاص که به دلیل اتهام به ارتكاب جرم مشهود دستگیر و در مقر پلیس نگهداری و تحت نظر قرار می‌گیرند، دارای حقوقی قابل توجه برای حراست از حقوق و آزادی فردی هستند. قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲، برای اولین بار در نظام تقنینی ایران، ضمن وضع اصطلاح «اشخاص تحت نظر»، حقوق آنها را از قبیل، حق داشتن وکیل، حق معاینه پزشکی، حق اطلاع رسانی به خانواده و آشنایان و... در مواد ۶۳-۲۸ خود مقرر کرده است

وروایی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان «حقوق متهم تحت نظر در نظام کیفری ایران» ضمن برشمردن حقوق متصوره متهم تحت نظر در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی بیان می‌دارد امروزه مشکلات متعددی در جهت تضییع حقوق متهم در جامعه و به ویژه نزد مجریان قانون و دستگاه عدالت نشر پیدا کرده و این خلاء برای متهم تحت نظری دو چندان احساس می‌شود.

مستخدمین حسینی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر توانمندسازی ضابطین در در رعایت حقوق متهمین» ضمن بررسی حقوق قانونی متهمین و وظایف ضابطین در جهت رعایت این حقوق و نیز مجازات‌های قانونی رعایت نکردن آن، بر اساس گزارشات واصله به مبادی ذریبط و بازدید میدانی و مطالعه پرونده‌های قضایی متشکله، بیان می‌دارد توانمندسازی ضابطین از طریق اصلاحات ساختاری و آموزش کافی و در اختیار گذاشتن امکانات و تجهیزات لازم، ارتباط مستقیم با رعایت حقوق متهم در مراحل بازرسی، دستگیری، بازجویی و نیز تحت نظر داشته و آنرا ارتقا می‌دهد. حیدری (۱۳۹۴)، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متهم در دوران تحت نظر در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و نیز حفظ کرامت انسانی از حقوق دفاعی همچون حق سکوت، حق ملاقات با وکیل، حق تفهیم اتهام و ... برخوردار گشته است. چنین موضعی در حقوق انگلستان نیز مشهود است و قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ این کشور حاوی موادی است که تکالیف متعددی را برای پلیس در راستای تضمین حقوق متهم تحت نظر قرار گرفته، مقرر داشته است.

کاوش در مورد مبانی حقوق شخص تحت نظر هم از جهت نظری و هم از جهت عملی ضروری و مفید است. از منظر حقوق طبیعی - به ویژه در قرائت سنتی آن - هنجارهای حقوقی بر پایه مبانی (از قبیل مبانی اخلاقی) شکل می‌گیرند و اراده حکومت تنها نقش اعلامی در این باره دارد، بنابراین برای یافتن علت ایجادکننده هنجارهای حقوقی ناگزیر باید درباره مبانی آن کاوش کرد. این قرائت از حقوق طبیعی امروزه طرفداران جدی ندارد و در خصوص شکل‌گیری هنجارهای حقوقی بیشتر دیدگاه تحقیقی حاکم است که اراده حکومت را نه تنها منبع که مبنای هنجار حقوقی نیز می‌داند. با وجود این ضرورت بررسی مبانی منتفی نشده است زیرا، حداقل برای توجیه هنجارهای حقوقی و یافتن علت مشروعیت آن باید به مبانی متوسل شویم. از جهت عملی کاوش درباره مبانی و درک بهتر آنها ماهیت حقوق شخص تحت نظر را روشن تر خواهد کرد و به

تبع آن دست اندرکاران عدالت کیفری پایبندی بیشتری به آنها نشان خواهند داد. به عبارت دیگر آنان رعایت حقوق شخص تحت نظر را ضرورتی تخلف‌ناپذیر تلقی خواهند کرد نه امری غیرضروری و کم اهمیت؛ به نحوی که در معارضه و مقابله با برخی مصلحت‌ها، آن را نقض نخواهند کرد. مجریان و ضابطان حقوق متهم تحت نظر را واجد ارزش پیشینی دانسته و ارزش آن‌ها را برتر از مصلحت‌هایی مانند نظم و امنیت عمومی و آرامش جامعه تلقی خواهند کرد و در مقام مقابله حق تحت نظر با مصلحت‌های اخیر، دسته اخیر را نادیده خواهند گرفت. پرداختن به مبانی حقوق دلایل اخلاقی حامی آن را که معمولاً نهفته و در پشت پرده آنها قرار دارند، روشن می‌سازد و نظر به این که دلایل اخلاقی نسبت به دلایل حقوقی برای ضابطان و مأموران مرتبط اقناع‌آورتراند، سبب پذیرش اقناعی حقوق متهم تحت نظر خواهند شد.

حقوق شخص تحت نظر به دو دسته قابل تقسیم است یک دسته حقوق دفاعی اوست، مثل فرض برائت، حق اطلاع از اتهام در اسرع وقت با زبانی قابل فهم، حق داشتن وکیل، حق سکوت و... و دسته دیگر حقوق غیردفاعی است، مثل حق تماس و آگاه کردن خانواده از تحت نظر بودن، حق معاینه پزشکی و حق اطلاع از حقوق شخص تحت نظر، که در این پژوهش حقوق غیردفاعی متهم پرداخته شده که در این بخش به فلسفه و مبانی نظری این حقوق می‌پردازیم.

۱- **فرض بی‌گناهی.** فرض بی‌گناهی هرچند از حقوق دفاعی متهم است، ولی می‌تواند مبنایی برای حقوق غیر دفاعی متهم و برخورد انسانی با او شود «به موجب فرض بی‌گناهی، افراد بی‌گناه محسوب می‌شوند، مگر آنکه گناه کاری آنان با شیوه‌های صحیح قانونی و در شرایط خاص اثبات شود. در فرایند دادرسی کیفری، دادستان با این ادعا که امنیت حاکم بر اجتماع و نظم عمومی جامعه - که شیرازه همبستگی اجتماعی است - نقض شده است، با امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری متعدد و متنوع به تعقیب متهم می‌پردازد. در مقابل متهم نه تنها از کمک قدرت عمومی بهره‌مند نیست، بلکه

حاکمیت نسبت به او نگاه مثبت ندارد و در صدد مجازات او است و تقریباً فاقد هرگونه امکان سخت‌افزاری است، ولی امکان نرم‌افزاری بس وثیق و مستحکم در اختیار وی قرار دارد که از آن به فرض بی‌گناهی تعبیر می‌شود. دادستان باید نزد مرجعی بی‌طرف و مستقل عدم استحقاق متهم نسبت به فرض بی‌گناهی را اثبات کند. اثبات این امر نیازمند دلایل متقن و قوی است تا مرجع بی‌طرف به این اقناع وجدانی برسد که متهم استحقاق استفاده از فرض بی‌گناهی را ندارد و باید مجازات شود. در مقابل رقیب بسیار قدرتمند و مجهز به انواع و اقسام امکانات، اهمیت فرض بی‌گناهی برای متهم روشن می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۲۵). هرچند مطالب گفته شده در خصوص اهمیت فرض بی‌گناهی در مرحله دادرسی است، اما اهمیت فرض بی‌گناهی در مرحله تحت‌نظری این است، باورمندی به آن سبب می‌شود، در مرحله تحت‌نظری، شخص تحت‌نظر حتی برغم مشهود بودن جرم، بی‌گناه یا فاقد مسئولیت کیفری فرض شود و بنابراین از تمام تضمینات لازم برای یک شخص بی‌گناه به غیر از سلب آزادی، برخوردار باشد.

۲- دادرسی عادلانه. دادرسی عادلانه اصطلاحی نام‌آشناست و در برخی اسناد حقوق بشری به صراحت بدان اشاره شده است؛ به طوری که حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه به‌عنوان یکی از حق‌های بنیادین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است (بستون^۱، ۲۰۰۸: ۶) و مواردی همچون بی‌طرفی دادگاه‌ها، استقلال دادگاه، تضمین‌های پیش‌محاكمه‌ای (تحقیقات پلیسی) و فرض بی‌گناهی مصداق‌های آن ذکر شده است (بلنجر^۲، ۲۰۱۰: ۳۳۱). بدین ترتیب یکی از لوازم دادرسی عادلانه این است حقوق متهم پیش از محاکمه رعایت شده باشد. در غیر این صورت اگر با نقض حقوقی چون حق تماس با خانواده، فردی تحت نظر قرار بگیرد، می‌تواند موجبات شکنجه و ناپدیدشدگی، رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز را فراهم آورد و بدین وسیله مقاومت شخص تحت نظر را شکسته و او را برای خلاصی از این وضعیت وادار به اقرار به گناه

ناکرده کند که دیگر نمی‌توان تضمین‌های بعدی کار ساز بوده و دادرسی عادلانه به منصفه ظهور برسد.

۳- رعایت شان و کرامت انسانی. با توسل به ادله قرآنی، عقلی و نقلی موجود در معارف اسلامی، می‌توان این‌گونه ابراز داشت که کرامت انسانی اثر و بازتاب مقامی است که خداوند به انسان اعطا نموده است. بدین معنا که علت اعطای کرامت به انسان،^۱ مقام خلافت الهی اوست که از سوی خداوند متعال دریافت کرده است. یعنی انسان به واسطه اینکه از سوی خالق خود به این مقام نائل شده، در میان تمام موجودات سرآمد شده است. به دیگر سخن، کرامت انسانی، نوری ساطع شده از سوی آفتاب مقام انسانیت است. به طوری که این دیدگاه «مقام محور» به کرامت انسانی، با معنای لغوی «کرامت» که شرافت، عزت و «مقام» و بزرگی است، هماهنگ خواهد بود. نتیجه این دیدگاه آن است که ۱- کرامت انسانی بازتاب مقام انسان در نزد خالق است. بنابراین این وصف به عنوان یک موهبت جدا و مستقل در وجود آدمی نیست. انسان از همان آغاز خلقت دارای کرامت شده و هست و این کرامت به هیچ نحو زوال پذیر نیست. بنابراین با توجه به ازلی بودن انسان در دیدگاه توحیدی، این کرامت با اوست و دوم این که، خداوند متعال فرموده است که «من از روح خود در او دمیدم»^۲ (رحیمی نژاد، ۱۳۹۷: ۸). در پرتو فرا - اصل کرامت انسانی و برای پاس داشت این گوهر تابناک وجود بشر، لازم است در فرآیندهای نظام عدالت کیفری، موازین و اصول ثانویه‌ای پیش‌بینی شود. برای این منظور باید با درکی شایسته از مفهوم، مبنا و آثار کرامت انسانی، مراحل بازجویی‌های پلیسی را به گونه‌ای مناسب با شأن انسان وارد شده به آن ترسیم نمود. این ساز و کارها باید به گونه‌ای باشند که واکنش اعتراض‌آمیز نوع بشر (مظنونان و متهمان) را در پی نداشته باشد. رفتاری که سرشت هر انسان متعارف در هر

۱. «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من اطمیاء و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء/ ۷۰).

۲. «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین» (حجر/ ۲۸)

جا و مکانی آن را پذیرا بوده و با کرامت خود هم‌سو دانسته و در برابر آن سر تعظیم فرود آورد. (حیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۸).

امروزه اصول راهبردی حقوق کیفری و به ویژه موازین انسان محور آیین دادرسی کیفری، در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، از اعتباری هم‌شأن اصول قانون اساسی برخوردارند و قانونگذاران، با اساسی^۱ محسوب نمودن آن‌ها، راه را بر هر گونه نقض یا کم اثر نمودن آن‌ها، بسته‌اند (حیدرپور، ۱۳۹۱: ۱۰۴). اگر قواعد آیین دادرسی ظالمانه و خودسرانه باشد و به دولت و مقامات اجرایی قانون، اجازه استفاده از شیوه‌ها و تدابیر خودسرانه و مستبدانه را بدهند، کارایی و مشروعیت سیاسی و اخلاقی خود را از دست خواهند داد (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). از سوی دیگر در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ که به تصویب دولت ایران نیز رسیده است، کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها مورد تأکید قرار گرفته و مقررات حمایتی مختلفی در این خصوص پیش‌بینی شده است.^۳ در همه این کنوانسیون‌ها،^۴ حیثیت و کرامت ذاتی انسانی، محور و مبنای عدالت، آزادی، صلح و حقوق مساوی بشر تلقی شده است (باقری نژاد، ۱۳۵: ۱۳۹۴).

از این‌رو، از جمله موازین انسان‌مدارانه آیین دادرسی کیفری، حق بر دادرسی عادلانه و لزوم برخوردار نمودن متهمان از این حق و تضمین آن توسط ضابطان دادگستری است. بنابراین با توجه به این که مقررات آیین دادرسی کیفری و چگونگی عملکرد مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، بیانگر حدود و قلمرو حقوق آزادی‌های شهروندان در

۱. Constitutional

۲. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزدیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن بک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا عملی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است».

۳. بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

۴. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و مواد ۱۱ و ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

جامعه است،^۱ احترام به کرامت ذاتی انسان ها و رعایت حقوق و آزادی های آنان در بستر رسیدگی های کیفری از اهمیت بیشتری برخوردار است، لازم است با ضمانت اجراهای خاص خود تامین و تضمین می شود.

۴- حق تماس با خانواده. در نظام دادرسی منصفانه به محض این که شخصی تحت نظر قرار گرفت و آزادی وی سلب شد، حق دارد که افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر قرار گرفتن خود در مراجع انتظامی یا قضایی مطلع سازد. این حق نه تنها از حیث حقوق فردی، بلکه به لحاظ تأمین آرامش و آسایش خانواده یا آشنایان تحت نظر به عنوان حقوق اجتماعی واجد ارزش اخلاقی - انسانی فراوان است. اجازه دادن ضابطین دادگستری به متهم جهت ارتباط و تماس با خانواده و بستگان خویش از حقوق اولیه متهم تحت نظر است که فرد می تواند نزدیکان و آشنایان خود را از جریان تحت نظر قرار دادن خویش آگاه سازد. این امر موجب جلب اعتماد شهروندان نسبت به دستگاه عدالت کیفری است. زیرا عدم اطلاع بستگان و آشنایان از وضعیت نزدیکان خود، اگرچه به مدت قلیلی باشد، موجب تشمت و تشویش خاطر آنهاست. دستگاه عدالت کیفری باید بیش از هر زمان دیگر به حقوق و آزادیهای فردی حساس باشد (موذن زادگان، ۱۳۹۵: ۲۸).

تحت نظر گرفتن بدون حق تماس با خانواده شکنجه، رفتارهای نادرست و ناپدید شدگی را تسهیل می کند، تحت نظر گرفتن بدون حق تماس در بلند مدت، در نوع خودش می تواند بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز باشد. استانداردهای بین المللی، به روشنی تحت نظر گرفتن بدون حق تماس و ملاقات را ممنوع نکرده اند، ولی این استانداردها مقرر می دارند که محدودیت ها و تأخیر در امکان دسترسی فرد تحت نظر به محیط بیرون تنها باید در برخی شرایط استثنایی و برای مدت زمان بسیار کوتاه اعمال

۱. حقوقدان ایتالیایی، فاریوپاکانا، در قرن هجدهم، گفته است «اگر کسی به یک کشور ناشناخته ای وارد شود و خواهان آن باشد که بداند در آن کشور، آزادی های مدنی رعایت می شود یا نه، باید آیین دادرسی آن کشور را مطالعه کند» (پرادل، ۱۳۷۸: ۷۸).

شود، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در آوریل ۱۹۹۷ بیان کرد: باز داشت بدون حق تماس و ملاقات در زمان طولانی ممکن است مقدمه شکنجه را تسهیل کرده و خود موجب نوعی رفتار غیرانسانی، بی‌رحمانه و تحقیرآمیز شود (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۶۸)

بدین ترتیب تحت نظر گرفتن بدون حق تماس مغایر نگهداری توأم با احترام به حقوق شهروندی بوده و موقعیتی را برای اعمال شکنجه می‌شود، همچنین تحت نظر بدون تماس باعث مجازات خانواده فرد تحت نظر نیز می‌شود. از این رو در ماده ۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری ایران آمده است «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن افراد خانواده و آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.»^۱

۵- حق معاینه پزشکی. طبق این حق افرادی که توسط پلیس تحت نظر قرار می‌گیرند، حق دارند توسط پزشک معاینه شده و در صورت ضرورت از آنها مراقبت پزشکی شود، اصل ۲۴ مجموعه اصول حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس، قاعده ۲۴ قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، قاعده ۲۹ قواعد اروپایی مربوط به زندان، این حق را به عنوان یک تضمین در برابر شکنجه و رفتار غیرانسانی در میان دیگر موارد مورد تأکید قرار داده است. کمیته حقوق بشر نیز بیان داشته «هر فرد تحت نظر گرفته شده باید امکان دسترسی منظم و ضروری به پزشک را داشته باشد، البته حقوق افراد تحت نظر، به مراقبت پزشکی، به درمان‌های پزشکی، داندان پزشکی، روان‌پزشکی

۱. حق تماس یا حق آگاه کردن خانواده باید شامل موضوع دستگیری و مکانی که در آنجا نگهداری می‌شود باشد. ولی قسمت اخیر ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص موضوع دستگیری، حق آگاه کردن به آن را مشروط کرده است که مغایر با حیثیت اجتماعی و خانوادگی شخص تحت نظر نباشد.

تعمیم داده شده است (بندهای ۱ و ۳ قاعده ۲۲ قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان و بندهای ۱ و ۳ قاعده ۲۶ قواعد اروپایی مربوط به زندان (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۷۳).

افراد تحت نظر که نیاز مند درمان و معاینات ویژه هستند باید به موسسات خاص یا بیمارستان‌های شهر جهت درمان منتقل شوند (بند ۲ قاعده ۲۲ قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، بند ۲ قاعده ۲۶ قواعد اروپایی مربوط به زندان) از این رو ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقرر داشته است «بنابه درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی یکی از پزشکان به تعیین دادستان، از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد، گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». با توجه به این که کسی که محروم از آزادی می‌شود، وظیفه مراقبت از آن فرد بر عهده حکومت است، ضابطان وظیفه مراقبت، حفظ سلامت و تأمین رفاه اشخاص تحت نظر را دارند، در قوانین ایران محلی برای تأمین اعتبار معاینات پزشکی تضمینی در برابر شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا درمانی ضروری را پیش‌بینی نکرده است. هر چند ممکن است بعضی از مراکز انتظامی برای تأمین حداقل رفاه لازم برای اشخاص تحت نظر که مناسب حفظ کرامت انسانی است، برخوردار نباشند.

۶- حق آگاهی از حقوق خود. حق آگاهی از حقوق خود اشخاص تحت نظر که امروزه به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین داخلی و بین‌المللی مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است شخص از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض براءت، علیه او مطرح شده در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). طبق این حق حقوق شخص تحت نظر باید از حقوق خود آگاه شود، در موازین بین‌المللی نیز فردی که تحت نظر قرار می‌گیرد، حق دارد که از حقوقش و همچنین از چگونگی به‌ر مند شدن از آن حقوق مطلع شود (اصول ۱۳ و ۱۴ مجموعه اصول حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس). از این رو در ماده ۵۲

قانون آئین دادرسی کیفری آمده است «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». بدیهی است مطالبه‌گری حقوق زمانی به وجود می‌آید که شخص به حقوق خود واقف باشد و تا زمانی که متهم تحت نظر نداند حق ملاقات با وکیل یا حق معاینه پزشکی و ... دارد، این حقوق را مطالبه نخواهد کرد، بنابراین حق تفهیم حقوق شخص تحت نظر به این اشخاص، به خودی خود یک نوع الزامی برای ضابطان ایجاد می‌کند که حقوق تفهیم شده را به اجرا بگذارند و گرنه با مطالبه و حتی شکایت شخص تحت نظر نزد مراجع ذیربط مواجه خواهند شد.

بدین ترتیب حقوق شخص در مرحله تحت نظر از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است. آن چه مسلم است اولین برخورد شخص تحت نظر با پلیس و ضابطین دادگستری و نهاد تحقیق و تعقیب است و چنانچه این برخورد اولیه توأم با ظرافت، هوشیاری، دقت و ارتباط صحیح نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری کج نهاد خواهد شد. نکته مهم در تحولات مربوط به نظام آئین دادرسی کیفری، ایجاد بسترهای لازم برای عملیاتی شدن مواد قانون آئین دادرسی کیفری در عمل است. به دیگر سخن هرچند نظام حقوقی کشور ما دارای قانونی پیشرفته و همه جانبه در زمینه آئین دادرسی کیفری باشد، ولی بازیگران اصلی قانون آئین دادرسی کیفری یعنی ضابطان دادگستری به آن اعتقاد و باوری نداشته باشند، هیچ گاه در عمل شاهد تحقق یافتن آرمان‌های قانون آئین دادرسی کیفری در جامعه نخواهیم بود (کوشکی، ۱۳۹۵: ۵۱۵).

روش

پژوهش حاضر در پی آن بوده که از طریق بررسی کمی و میدانی، تأثیر الزامات قانون آئین دادرسی کیفری ایران را در رعایت حقوق اشخاص تحت نظر از سوی ضابطان مورد بررسی قرار دهد. بنابراین تحقیق حاضر برحسب هدف، از نوع کاربردی است و هم چنین از لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش،

شامل ۳۸۴ نفر از جامعه و کلای و ضابطان دادگستری در شهر تهران؛ مقام‌های قضایی در شهر تهران هستند. از آن‌جا که اعضای جامعه آماری پژوهش در سطوح مختلف توزیع شده و هر یک از این سطوح وزن مشابهی در روند انجام دادرسی ندارند، از سوی دیگر با توجه به این که اهمیت انعکاس نگرش جامعه آماری در تعیین میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری ایران در رعایت حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان مورد نظر است، برای این که نمونه به نحوی معرف جامعه آماری باشد، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است.

لازم به ذکر است برای جمع‌آوری اطلاعات درباره مبانی نظری و ادبیات موضوع و پیشینه آن، از روش مطالعه کتابخانه‌ای و برای مشخص نمودن میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری ایران در رعایت حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است. جهت بررسی روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار تعدادی از متخصصان امر قرار گرفت. نظر صاحب‌نظران در خصوص روایی آن مثبت بوده است. در خصوص میزان پایایی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ نتایج محاسبه برابر با جدول شماره ۱ است (در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است). در مرحله نهایی اجرای ابزار پژوهش، اقدام به اجرای مقدماتی یا پایلوت^۱ شد و در نهایت پس از حذف یا اصلاح سؤالات نامناسب، ابزار نهایی جهت اجرا بر روی جامعه مورد نظر آماده شد.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	عنوان ابعاد	ضریب آلفای کرونباخ
۱	دسترسی به حق تماس با خانواده جهت اطلاع رسانی به خانواده	.۸۲
۲	اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود	.۸۵
۳	دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی	.۹۲
۷	آلفای کل	.۸۶/۳۳

یافته

جامعه آماری این پژوهش، شامل ۳۸۴ نفر از جامعه وکلای، ضابطان دادگستری و مقام‌های قضایی در شهر تهران هستند که بیشترین درصد مشارکت کنندگان یعنی ۵۷٫۵ درصد مربوط به نیروی انتظامی و پس از آن به ترتیب ۲۹/۸ درصد مربوط به کانون وکلا و ۱۳/۱ درصد مربوط به دستگاه قضایی هستند و بیشترین درصد مشارکت کنندگان یعنی ۵۷/۵ درصد کارشناس و مدیر، پس از آن به ترتیب ۲۹/۴ کانون وکلا و ۱۳/۱ درصد مقام‌های قضایی (دادیار، بازپرس، دادستان و قاضی) می‌باشند. از بین جامعه آماری بیشترین درصد مشارکت کنندگان یعنی ۹۲/۷ درصد مرد و ۷/۳ درصد زن می‌باشند و ۶۰/۹ درصد مشارکت کنندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۸/۷ درصد کارشناسی و ۲۰/۴ درصد دانشجوی دکتری و دارای مدرک دکتری می‌باشند. هم چنین ۴۲/۹ درصد مشارکت کنندگان دارای سابقه خدمتی بین ۲۰ تا ۲۵ سال هستند، ۳۷/۵ درصد دارای سابقه خدمتی بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۳/۲ درصد دارای سابقه خدمت زیر ۱۵ سال و ۶/۲ درصد بیشتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دارند.

۱- بررسی مؤلفه‌های مربوط به بعد دسترسی به حق تماس با خانواده و رسانی به آنها

جدول ۲: میانگین نمره مؤلفه دسترسی به حق تماس با خانواده

مؤلفه	شاخص مربوطه	میانگین	استاندارد	انحراف
دسترسی به حق تماس با خانواده	۱- نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.	۱/۸۶	۰/۶۵۹	
	۲- مسئولیت کیفری ضابطان تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.	۱/۹۷	۰/۷۵۷	
	۳- وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.	۱/۴۷	۰/۷۵۵	

۰/۸۳۲	۲/۵۷	۴- مهارت و گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه و زیر نظر مرجع قضایی تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۷۲۷	۱/۶۹	۵- عدم ارجاع امر ضابطیت به مأموران فاقد شرایط ضابطیت تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۹۱۷	۱/۶۶	۶- بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستوره‌های لازم در دفتر مخصوص تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۸۵۸	۲/۹۱	۷- حضور دادستان و قاضی کشیک در محل تحت نظر تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۸۷۰	۱/۸۷	۸- لزوم کسب تکلیف از دادستان در صورت ضرورت عدم اطلاع رسانی به خانواده تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۸۹۵	۱/۷۷	۹- فراهم آوردن زمینه‌های لازم (اعتبارات و امکانات) تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.
۰/۸۱۴	۱/۸۹	۱۰- تعبیه فضا و مکان مناسب توسط ضابطان تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها مؤثر بوده است.

در بررسی جدول مربوط به بُعد دسترسی به حق تماس و اطلاع رسانی به آنها و تفکیک مؤلفه‌های آن مشخص شد که بیشترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه مسئولیت کیفری ضابطان در دسترسی به حق تماس با خانواده و رسانی به خانواده آنها با نمره (۱,۹۷)، عدم ارجاع امر ضابطیت به مأموران فاقد شرایط ضابطیت در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۶۹) سپس، تعبیه فضا و مکان مناسب توسط ضابطان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۸۹)، لزوم کسب تکلیف از دادستان در صورت ضرورت عدم اطلاع رسانی به خانواده در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۸۷)، فراهم آوردن زمینه‌های لازم (اعتبارات و امکانات) در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع

رسانی به آنها با نمره (۱,۷۷)، مهارت و گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه و زیر نظر مرجع قضایی در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۲,۵۷)، وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۴۷)، نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۸۶) و بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستورهای لازم در دفتر مخصوص تا چه میزان در دسترسی به حق تماس با خانواده و اطلاع رسانی به آنها با نمره (۱,۶۶)، در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۲- بررسی مؤلفه‌های مربوط به بعد دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی جدول ۳: میانگین نمره مؤلفه‌های دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی

ردیف	شاخص مربوطه	میانگین	انحراف استاندارد
شخص تحت نظر به معاینه پزشکی	۱- نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است.	۳/۵۱	۰/۷۱۶
	۲- مسئولیت کیفری ضابطان تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است.	۴/۰۲	۰/۷۸۴
	۳- وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است.	۱/۰۷	۰/۸۵۰
	۴- گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی زیر نظر مرجع قضایی تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است.	۲/۶۳	۰/۶۵۲
	۵- عدم ارجاع امر ضابطیت به ماموران فاقد شرایط ضابطیت تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است.	۲/۶۹	۰/۷۲۸
	۶- بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستورهای لازم در دفتر مخصوص تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است. *	۱/۷۵	۱/۱۰۱

۰/۶۳۴	۱/۱۸	۷- حضور دادستان و قاضی کشیک در محل تحت نظر تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است. *
۰/۷۸۳	۳/۹۹	۸- تعیین ساز و کار معرفی و حضور پزشک تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است. *
۰/۸۱۸	۱/۵۱	۹- مشخص بودن وضعیت پرداخت هزینه معاینات پزشکی تا چه میزان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی مؤثر است. *

در بررسی جدول مربوط به بعد دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی و تفکیک مؤلفه‌های آن مشخص شد که بیشترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه مسئولیت کیفری ضابطان با نمره (۴,۰۲)، سپس تعیین ساز و کار معرفی حضور پزشک در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۳,۹۹)، نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۳,۵۱)، عدم ارجاع امر ضابطیت به مأموران فاقد شرایط ضابطیت در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۲,۶۹)، مهارت و گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه و زیر نظر مرجع قضایی در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۲,۶۳)، بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستورهای لازم در دفتر مخصوص در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۱,۷۵)، مشخص بودن وضعیت پرداخت هزینه معاینات پزشکی در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۱,۵۱) و حضور دادستان و قاضی کشیک در محل تحت نظر در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی با نمره (۱,۱۸) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۳- بررسی مؤلفه‌های مربوط به بعد اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود

جدول ۴: میانگین نمره مؤلفه‌های اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود

شماره	شاخص مربوطه	میانگین	استاندارد انحراف
اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود	۱- نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۲/۱۸	۰/۹۶۱
	۲- مسئولیت کیفی ضابطان تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۳/۷۷	۰/۷۱۸
	۳- وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۱/۱۸	۰/۸۷۳
	۴- گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه و زیر نظر مرجع قضایی تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۲/۸۲	۰/۷۵۴
	۵- عدم ارجاع امر ضابطیت به ماموران فاقد شرایط ضابطیت تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۳/۹۲	۱/۱۵۰
	۶- بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستورهای لازم در دفتر مخصوص تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۳/۱۲	۱/۰۶۲
	۷- حضور دادستان و قاضی کشیک در محل تحت نظر تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۱/۵۲	۰/۸۸۱
	۸- لزوم مکتوب بودن تفهیم حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۱/۴۲	۰/۸۶۷
	۹- تعیین ضمانت اجرای کیفی در صورت اقدام صوری و تشریفات (مبهم و مجمل و غیر دقیق) ضابطان و اخذ امضاء از متهم تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۲/۰۴	۰/۸۷۱
	۱۰- آگاهی کافی ضابطان از حقوق شخص تحت نظر تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۳/۹۸	۰/۸۵۱
	۱۱- اعلام حق متهم به عدم امکان اجبار و اکراه در حین بازجویی تا چه میزان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او مؤثر است.	۲/۱۹	۰/۸۳۸

در بررسی جدول مربوط به بعد اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود و تفکیک مؤلفه‌های آن مشخص شد که بیشترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه آگاهی کافی ضابطان از حقوق شخص تحت نظر در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۳,۹۸)، سپس عدم ارجاع امر ضابطیت به مأموران فاقد شرایط ضابطیت در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۳,۹۲)، مسئولیت کیفری ضابطان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۳,۷۷)، مهارت و گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه و زیر نظر مرجع قضایی در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۲,۸۲)، اعلام حق متهم به عدم امکان اجبار و اکراه در حین بازجویی در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۲,۱۹). نظارت و تعلیمات (آموزش موردی) دادستان به ضابطان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۲,۱۸)، بازرسی دادستان از واحدهای انتظامی و ثبت دستورهای لازم در دفتر مخصوص در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۲,۱۲)، وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۱,۸۱) و حضور دادستان و قاضی کشیک در محل تحت نظر در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود او با نمره (۱,۵۲)، مکتوب بودن تفهیم حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان در اطلاع شخص از حقوق خود او با نمره (۱,۴۲)، در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

سوال اول: الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده چه میزان مؤثر بوده است؟

جدول ۵: یافته‌های توصیفی آزمون تی تک نمونه‌ای (تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده)

آزمون تی - تک نمونه‌ای				
انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰/۰۱۵	۰/۳۰۱	۲/۸۱	۳۸۴	تأثیر " الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده "

جدول ۶: مقدار آزمون تی (تأثیر "الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده")

آزمون تی - تک نمونه ای						
	مقدار تی = ۳					
	T	درج ° آزاد ی	سطح معنادار ی	تفاوت میانگ ین	فاصله اطمینان ٪۹۵	
					حدپ آیین	حدبا لا
تأثیر "الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده"	۵۳/۸۷۴	۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۸۱۲	-۰/۲۴	۱۵ -۰

در بررسی جدول فوق سطح معناداری صفر می‌باشد که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر «الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده» رد می‌شود، ولی با توجه به جدول فوق که حدود اطمینان (کران‌های بالا و پایین فاصله اطمینان) هر دو منفی می‌باشد. بنابراین میزان تأثیر «الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی به حق تماس با خانواده» از سوی ضابطان بهید مورد بازبینی اساسی قرار گیرد.

سوال دوم: الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی چه میزان مؤثر بوده است؟
برای بررسی میزان تأثیر «الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی» از آزمون تی - تک نمونه ای استفاده شد که نتایج به شرح ذیل بدست آمده است:

جدول ۷: یافته‌های توصیفی آزمون تی تک نمونه ای (تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی)

آزمون تی - تک نمونه ای

انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰/۰۱۷	۰/۳۳۸	۴/۲۲	۳۸۴	تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی

جدول ۸: مقدار آزمون تی تک نمونه ای (تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی)

آزمون تی- تک نمونه ای						
مقدار تی = ۳						
فاصله اطمینان ٪۹۵	حد پایین	حد پایین حدپ آیین	تفاوت میان گین	سطح معنادا ری	در جه آزا دی	T
الزامات در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی						

در بررسی جدول فوق سطح معناداری صفر می باشد که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر می باشد، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی رد می شود، ولی با توجه به جدول فوق که حدود اطمینان (کران های بالا و پایین فاصله اطمینان) هر دو مثبت می باشند. بنابراین میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی می شود.

سوال سوم: الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود چه میزان مؤثر بوده است؟
 برای بررسی میزان تأثیر "الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود" از آزمون تی-تک نمونه ای استفاده شد که نتایج به شرح ذیل بدست آمده است:

جدول ۹: یافته‌های توصیفی آزمون تی تک نمونه ای (تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود)

آزمون تی-تک نمونه ای				
انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰/۰۱۷	۰/۳۳۳	۳/۶۳	۳۸۴	الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود

جدول ۱۰: مقدار آزمون تی تک نمونه ای (تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود)

آزمون تی-تک نمونه ای						
مقدار تی=۳						
فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت میانگی	سطح معناداری	درج ° آزاد تی	T	حد پایینی	حد پایینی
۰/۶۶	۰/۶۳۲	۰/۰۰۰	۳۹۹	۳/۹۴۶	۰/۶۰	۰/۶۶

در بررسی جدول فوق سطح معناداری صفر می‌باشد که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود رد می‌شود، ولی با توجه به جدول فوق که حدود اطمینان (کران‌های بالا و پایین فاصله اطمینان) هر دو مثبت می‌باشد. بنابراین میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی

کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی می شود.

پ- مقایسه توصیفی ابعاد تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رعایت حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطان

جدول ۱۱: اولویت بندی ابعاد مختلف تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود (بر اساس میانگین های رتبه ای حاصل از آزمون فریدمن)

ردیف	ابعاد	میانگین رتبه
۱	اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود	۲/۵۵
۲	دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی	۲/۴۸
۳	دسترسی به حق تماس با خانواده و حق اطلاع رسانی به خانواده او	۱/۹۶

همانطور که در جدول ۱۱ مشخص است در بررسی رتبه بندی سوالات مشخص می شود تأثیر الزامات بر روی اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود با رتبه اول، دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی در رتبه دوم، دسترسی به حق تماس با خانواده و حق اطلاع رسانی به خانواده او پایانی قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

مطابق نتایج تحلیل آزمون ها و یافته های پژوهش نتایج زیر حاصل گردید:

۱: میزان تأثیر «الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص دسترسی به حق تماس با خانواده»، از سوی ضابطان کمتر از حد متوسط و در سطح پائینی ارزیابی شده است. از این حیث نسبت به قانون سابق تحولات اساسی مشاهده نشده است. در این زمینه باید توجه داشت که این حق، نه تنها حق اشخاص تحت نظر، متهمان و زندانیان است، بلکه حق اعضای خانواده آنان نیز به حساب می آید تا از سرنوشت یکی از نزدیک ترین اعضای خانواده مطلع گشته و از ناپدید شدن عضو از اعضای خود دچار رنج نشوند. هر چند حقوق ایران فقط از حق تماس و اطلاع به خانواده و آشنایان شخص

تحت نظر سخن گفته است که می‌توان آشنایان را به وکیل و مشاور حقوقی تعمیم داد، که بهتر بود اگر با ضرورت‌های تحقیق منافات نداشته باشد، در جرایم سبک، حق ملاقات در تمام مراحل پیش از دادرسی به افراد خانواده پیش‌بینی می‌شود؛ یعنی در مدت تحت نظر به متهم اجازه داده با خانواده خود که از خبر دستگیری و بازداشت او مطلع شده است، تحت نظارت ضابطان دیدار کند. اما در مقام اجرا و از نگاه مشارکت کنندگان در این پژوهش؛ مقررات آئین دادرسی کیفری به دلیل نبود زیرساخت‌های اجرای آیین دادرسی، حقوق اشخاص تحت نظر در خصوص دسترسی به حق تماس با خانواده، به بهانه امکان مطلع شدن شرکا و معاونین جرم و از بین رفتن دلایل و مدارک جرم، نبود امکانات و وسایل ارتباطی به قدر کافی، عدم کشف به موقع و انحراف روند رسیدگی به پرونده، توسط ضابطان نیاز به توجه بیشتر دارد.

۲: براساس یافته‌های تحقیق میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به معاینه پزشکی بیش از حد متوسط و در سطح زیاد بوده است. فلسفه لحاظ حق مزبور برای اشخاص تحت نظر تجربه تلخ واقعیت‌های سال‌های گذشته در اعمال تحقیق‌های جنایی توسط ضابطان است. این امر در سابقه تحقیق‌های جنایی ثبت است که در مدت‌های طولانی، اذیت و آزار جسمی و روحی متهمان در فرایند تحقیق‌های پلیسی امری عادی و قانونی بوده است. اما نتایج بیانگر این است که رعایت بیشتر این حق از سوی ضابطان، پیش‌بینی این حق بدون وجود ساز و کارهای لازم مشکلات بسیاری را در عمل برای ضابطان در پی داشته است و جامعه عمل پوشاندن به این نوآوری‌های قانونی نیازمند ساز و کارهایی است از جمله در قانون ایران محلی برای تأمین اعتبار معاینات پزشکی جهت تأیید سلامت یا معاینات درمانی ضروری در مراجع انتظامی پیش‌بینی شود.

۳: براساس یافته‌های تحقیق میزان تأثیر الزامات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دسترسی شخص تحت نظر به اطلاع از حقوق خود بیش از حد متوسط

و در سطح زیاد بوده است، در واقع، اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود سبب مطالبه گری برای اجرای حقوق خود از جمله حق داشتن وکیل و حق معاینه پزشکی و حق اطلاع به خانواده و ... می گردد. از دیدگاه علمی برخورداری از این حق مستلزم برخورداری ضابطان از یک نظام تحقیقات پلیسی کارآمد و دسترسی به دیگر منابع اطلاعاتی جهت احراز بی گناهی یا مجرمیت متهم است. بنابراین، عدم استفاده از روش های علمی کشف جرم و در دسترس نبودن این امکانات برای ضابطان دادگستری، و از طرف دیگر الزام ضابطان به تفهیم حقوق شخص تحت نظر به صورت مکتوب به او زمینه سخت تر شدن کار ضابطان را فراهم آورده و ممکن است نگرش ضابطان نسبت به اجرای حقوق متهم تحت نظر منفی بوده و ضابطان از رعایت ضوابط و معیارها دوران تحت نظر زاویه بگیرند؛ از این رو تا زمانی که نگرش ضابطان به متهمان، مظنونان و اشخاص تحت نظر تغییر نیافته و روش های کشف جرم علمی نشود، نمی توان انتظار داشت که حقوق متهمان تحت نظر آن طوری که قانونگذار انتظار آن را داشته رعایت شود.

پیشنهادها

- ۱- در حقوق ایران فقط حق آگاه‌سازی خانواده و آشنایان با تماس تلفنی یا هر وسیله ممکن به رسمیت شناخته شده نه حق ملاقات با خانواده و آشنایان در حالی که در بسیاری از جرایم ارتكابی ملاقات خانواده تأثیر منفی در کشف جرم ندارد، پذیرش حق ملاقات در حضور مأمور پلیس تضمینی دیگری بر این خواهد بود که متهم تحت رفتارهای غیرانسانی و شکنجه قرار نگیرد، البته در جرایمی که این ملاقات منافی با ضرورت کشف جرم است باید با کسب تکلیف از مقام قضایی صورت گیرد.
- ۲- پیشنهاد می‌شود با توجه به محدودیت امکانات تماس و خط آزاد، اشخاص تحت نظر بتوانند تحت نظارت ضابطان از وسایل ارتباطی شخصی (تلفن همراه خود) استفاده و خانواده و آشنایان خود را از مراتب تحت نظری آگاه کنند.
- ۳- پیشنهاد می‌شود در قانون تصریح شود پرداخت هزینه معاینه پزشکی افراد محروم از آزادی چه در خصوص تأیید سلامت و تضمین عدم شکنجه و چه در خصوص درمان‌های ضروری با دولت باشد و هزینه‌های درمانی غیرضروری با خود متهم و بدین منظور ردیف بودجه‌ای برای پرداخت هزینه پزشکی اشخاص تحت نظر پیش‌بینی شود یا بیمه‌های درمانی بی‌نام از قبل، برای اشخاص تحت نظر مراجع انتظامی با هماهنگی سازمان‌های بیمه‌گر صورت گیرد.
- ۴- پیشنهاد می‌شود به منظور تحقق رفتار واحد از سوی کلیه ضابطان دادگستری رفتار ضابطان در روش‌های برخورد با متهمان و مجرمان آموزش‌های استانداردسازی با جدیت بیشتر برگزار شود و با کنترل و نظارت بر رفتار ضابطان در به حداقل رسانیدن موارد نقض حقوق اشخاص تحت نظر اقدام شود.
- ۵- پیشنهاد می‌شود برای رعایت هرچه بیشتر حقوق شهروندی از جمله حقوق شخص تحت نظر، زیر ساخت‌ها لازم برای اجرای قانون آیین دادرسی کیفری در سطح مراجع انتظامی و آموزش عملی درس آئین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی و

کشف علمی جرایم با مراعات حقوق متهم در سطح مراکز آموزشی ناجا بیشتر مورد تأکید و فراهم شود.

سپاسگزاری

در پایان از کارکنان پلیس‌های تخصصی شهر تهران، کانون و کلاء و دادگستری تهران که ما را در نگارش این مقاله یاری نمودند، سپاسگزاریم.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ سپهری، روح‌الله (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه. آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶(۶)، ۳۲-۳.
- https://cld.razavi.ac.ir/article_756.html
۲. آشوری، محمد. (۱۳۷۶). عدالت کیفری. چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۳. امیدی، جلیل. (۱۳۸۳). دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). چاپ اول، انتشارات سمت.
۴. باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۴). اصول آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، انتشارات خرسندی.
۵. پرادل، ژان. (۱۳۷۸). اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری کشورهای مختلف اروپایی. ترجمه منوچهر خزایی، مجله دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، ۲۱، ۹۴-۷۱.
- http://www.cilamag.ir/article_18177_adfa21
۶. کوشکی غلامحسین؛ سهیل مقدم، سحر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴)، ۲۱۵-۱۸۵.
- http://www.jlj.ir/article_22011.html
۷. کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۵). مهم‌ترین نوآوری‌های حمایتی و سازمانی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مرحله تحقیقات مقدماتی. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان.
۸. کاشانی، سید محمود. (۱۳۹۳). استانداردهای جهانی دادگستری. نشر میزان
۹. رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ سوم، نشر میزان.

۱۰. حبیب زاده، محمدجعفر؛ صادقی، ولی الله. (۱۳۹۵). شناسایی و مدیریت حق سکوت متهم. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۵)، ۸۱-۶۱.
http://www.jlj.ir/article_23180.html
۱۱. حیدرپور، حمیدرضا. (۱۳۹۱). فرایند اساسی سازی اصول راهبردی حقوق کیفری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. حیدری، الهام. (۱۳۹۴). حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۰(۷۱)، ۲۷-۵۳.
<http://jlvviews.ujsas.ac.ir/article-1-614-fa.html>
۱۳. شاکری گلپایگانی، طوبی. (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی. چاپ نخست، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. طه، فریده؛ اشراقی، لیلا. (۱۳۸۶). دادرسی عادلانه، چاپ اول، انتشارات میزان.
۱۵. مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۵). حقوق اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی در دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فصلنامه حقوقی انتظامی، ۲(۵)، ۴۰-۷.
http://lqp.jrl.police.ir/article_18090
۱۶. مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۷). وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری و مقامات قضایی در قبال اشخاص تحت نظر، مطالعه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و فرانسه. طرح پژوهشی، دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه قوه قضائیه.
۱۷. مستخدمین حسینی، علی. (۱۳۹۲). تأثیر توانمندسازی ضابطین در در رعایت حقوق متهمین. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی.
۱۸. وروایی، اکبر. (۱۳۹۳)، حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران. انتشارات بهنامی.

19. Bostan, A.D., (2004). *The Right to a Fair Trial: Balancing Safety and Civil Liberties*. 12 Cardozo J. Int'l & Comp. L. 1.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals>
20. Terri A. B., (1994). *Symbolic Expression in the Courtroom: The Right to a Fair Trial Versus Freedom of Speech*. 62 George Washington Law Review 318.